

بررسی هزار و ۶۹۵ پرونده آدم ربایی در استان طی ۵ سال

دادگستری خراسان شمالی طی ۵ سال گذشته هزار و ۶۹۵ پرونده مربوط به آدم ربایی را بررسی کرده است. به گزارش خبرنگار ما و بر اساس آمار اعلام شده از سوی دادگستری خراسان شمالی

در سال ۱۳۹۰، ۲۴۴ پرونده آدم ربایی، در سال ۱۳۹۱، ۳۴۲ پرونده ، در سال ۱۳۹۲، ۳۳۵ پرونده، در سال ۱۳۹۳، ۳۷۱ پرونده و در سال گذشته نیز روند صعودی پرونده های آدم ربایی در



محاکم قضایی استان ادامه و به ۴۰۳ پرونده افزایش داشت. شروع به آدم ربایی، ربودن، مخفی کردن همراه با آسیب بدنی، ربودن و مخفی کردن با وسیله نقلیه و ربودن و مخفی کردن فرد کمتر از ۱۵ سال از عناوین پرونده های آدم ربایی طی ۵ سال گذشته است. عنوان شروع

شوک

کمین گاه شبکه های اجتماعی

در دنیای امروز فناوری به اندازه ای ریشه کرده که نمی توان انتظاری جز غرق شدن در آن داشت، به همین دلیل در کنار مزایای بسیاری که فناوری های روز برای ما به همراه آورده اند، مشکلاتی هم وجود دارد که به نوعی در ذات استفاده نادرست از اینترنت و شبکه های اجتماعی است.
چه خوششان بیاید چه نه، اطلاعاتی که شما از طریق تلگرام می فرستید می تواند در دسترس هر کسی قرار بگیرد. اکثر سارقان تنها به مقدار کمی اطلاعات ضروری از شما نیاز دارند تا با رخنه در اطلاعات خصوصی ، زندگی شما را به کابوس تبدیل کنند.
چندی است در فضای تلگرام، پیام هایی با این مضمون «اگر به همسر یا شخص دیگری مشکوک یا مظنون هستید، ایده می شود که پیشنهاد می دهم هر چه زودتر با آن ها تماس گرفته شود تا راز هک کردن گوشی همسر یا هر شخص دیگر را برای به دست آوردن اطلاعات شخصی و همچنین کنترل او از طریق پیام های رد و بدل شده آموزش دهند. شما می توانید با ارسال کننده پیغام که با شماره شخصی خود پیام را ارسال کرده است تماس بگیرید و با راهمایی او گوشی فرد مورد نظرتان را هک کنید و به اطلاعات خصوصی و شخصی فرد مورد نظر دسترسی پیدا کنید. حالا با صرف نظر از قانونی یا غیر قانونی بودن این کار باید این را یک هشدار و زنگ خطری تلقی کرد که افراد سودجو در فضای مجازی با به خطر انداختن کانون گرم خانواده ها و دوستان از این طریق اقدام به کسب درآمد نامشروع می کنند.
پیداست اگر خانم یا آقای خانواده متوجه زیر نظر گرفته شدن خود از طریق هک شدن گوشی اش از طرف مقابل شود، این موضوع باعث کینه و بی اعتمادی نسبت به یکدیگر می شود و دیری نخواهد گذشت که زندگی مشترک شان به بن بست خواهد رسید و از هم خواهد پاشید.
بهرتر است تا دیر نشده متولیان امر با آگاه ساختن کاربران شبکه های اجتماعی از هک شدن گوشی های خودشان به دست افراد ناشناس یا حتی آشنایان جلوی این کار را بگیرند و با افراد سودجو و هنجار شکن قاطعانه برخورد کنند و اعمال قانون شوند. در کمال تعجب این افراد سودجو برای رسیدن به اهداف نامشروع خود اقدام به تبلیغ کارهای پلیدشان در فضای مجازی می کنند و آن هم با شماره تلفن شخصی خود و بدون واهمه از برخورد قانون.

زندگی در چنگال مرد زوال و صفت

صدیقی-سومین باری است که زندگی پشت میله های زندان را تجربه می کند. ۵ سال از روزی که به حکم قانون وارد زندان بجنورد شده است، می گذرد و فرزندانش نزد مرد ز الوصفی زندگی می کنند که با بدیخت کردن دیگران زندگی اش را می سازد و به همین دلیل آینده روشنی برای فرزندانش نمی ببندد و این احتمال نیز وجود دارد که فرزندانش هم مانند او فروش مواد مخدر را برای گذران زندگی انتخاب کنند.

در ادامه گفت و گوی خبرنگار ما را با این جوان زندانی می خوانید.

■ **چند سال در زندان هستی و چرا زندانی شدی؟**

۵ سال است که به علت قاچاق شیشه زندانی هستم.

■ **چند سال حکم برایت برده اند و شغل چه بود؟**

۱۳ سال. علافی و دنبال کار خلاف.

■ **اعتیاد و سابقه هم داشتی؟**

بله به شیشه اعتیاد داشتم و قبلا هم دوبار به خاطر فروش مواد زندانی شدم.

■ **قبلا چند وقت زندان بودی؟**

یک بار ۶ ماه و بار دیگرو ۷ ماه.

■ **پشت سر هم زندانی شدی؟**

تقریبا بله هر دو سال زندان بودم.

■ **آیا سواد و زن و فرزند داری ؟**

۳ کلاس بیشتر درس نخواندم ، بله متاهل بودم ولی الان نه، همسرم بعد از زندانی شدنم طلاق گرفت .

■ **کمی از زندگی و کارت بگو؟**

دوباره زندگی ام که چه بگویم ، از همان اول فقر و نداری بر زندگی ما چنگ انداخته بود و روز به روز هم شدیدتر می شد. در حاشیه شهر زندگی می کردیم و پدرم در روستا کشاورزی می کرد. در واقع اسمش کشاورزی بود ولی درآمد کشاورزی حتی هزینه رفت و آمد پدرم به روستا نمی شد ولی چاره ای نداشت چون شغل دیگری نداشت و مجبور بودیم به همان درآمد بخور و نمیر قناعت کنیم. پدرم قادر نبود من را به مدرسه بفرستد به خاطر همین مدرسه را رها کردم و به دنبال راهی بودم تا آینده ام را بسازم. اکثر ساکنان محله ای که در آن زندگی می کردیم اعتیاد داشتند و در فقر و تنگدستی به سر می بردند. از همان دوران کودکی با مواد آشنا بودم چون در هر نقطه ای از محله که قدم می گذاشتم با انواع های معتاد و مواد فروش مواجه می شدم که همین موضوع تاثیر زیادی روی من گذاشت. این شد که به خاطر ارتباط مداوم با معتادان و زندگی در یک محیط آلوده وارد گرداب اعتیاد شدم. اکثر جوان های محله و دوستانم در کار خلاف



و هر کدام مشغول یک نوع کار خلاف بودند. خیلی رفیق بازی می کردم و کسی هم حتی پدرم کاری به کار من نداشت و در واقع کاری از دستش بر نمی آمد و همین که به زور شکم خانواده را سیر می کرد، به قول خودش شاخ قول را می شکست و برای او کافی بود. هر سال که سن و سالش بالا می رفت دیگر مثل سابق قادر نبود کار کند و یک روز در میان، خانه بود تا این که بعد از مدتی خانه نشین شد. همه امیدش به من بود تا کاری برای خانواده انجام دهم. من هم بیکار بودم سرمایه ای نداشتم و حرفه ای هم بلد نبودم که بتوانم با آن زندگی خانواده ام را سر پا نگه دارم . مجبور شدم از دوستانم کمک بگیرم اما متأسفانه قریب خوردم و مواد به صورت نسیه به من می دادند تا با فروش آن بتوانم بعدا پول مواد آن ها را برگردانم.

■ **چه مدت طول کشید تا دستگیر شدی؟**

در اوایل فروش مواد، مجرد بودم و از تریاک شروع کردم و مدتی به خرید و فروش آن اقدام کردم تا این که یک روز دستگیر شدم و ۶ ماه حبس کشیدم و بعد از سپری کردن دوران محکومیتم آزاد شدم و دوباره به نقطه اول برگشتم. بعد از چند وقت دوباره به سراغ فروش مواد رفتم. به علت بدهی گذشته ام، دوستانم حاضر نشدند دوباره به

شکل نسیه مواد به من بدهند مجبور شدم به سراغ یک نفر از قدیمی های محله که در کار قاچاق مواد بود بروم.

از او درخواست کمک کردم تا مدتی هوای من را داشته باشد و او هم قبول کرد و دوباره کارم را شروع کردم. این همکاری و رفت و آمد ما باعث شد به دخترش علاقه مند شوم و خیلی زود به عقد هم در آمدم . چند ماهی از نامزدی مان نگذشته بود که دوباره دستگیر شدم و این بار ۷ ماه حبس کشیدم و بعد از تمام شدن دوران محکومیتم دوباره به محیط آلوده و کنار خانواده برگشتم.

■ **این بار بعد از آزادی از زندان چکار کردی؟**

بعد از آزادی از زندان دست از کار خلاف کشیدم و همان کار کشاورزی پدرم را ادامه دادم و با پس انداز کمی که داشتم مراسم عروسی خودم را گرفتم و زندگی مشترکمان را در کنار پدر و مادرم شروع کردیم. تا به خودم آمدم چند سالی از زندگی مشترکمان گذشت و صاحب دو فرزند شدیم و تامین مخارج زندگی خیلی سخت شد و به خاطر اعتیاد خودم خیلی در مضیقه و تنگنا قرار گرفتم. هر چقدر تلاش کردم راهی پیدا کنم تا کمی زندگی خودم را از این وضعیت خلاص کنم، اما فایده ای نداشت و هر دفعه که تلاش می کردم به در بسته می خوردم. دوباره مجبور شدم از پدر همسرم کمک بگیرم و به پیشنهاد او دوباره وارد کار خرید و فروش مواد شدم و مدتی به این کار ادامه دادم . هر چقدر همسرم تلاش و اعتراض کرد که من را از پدرش دور کند تا دوباره به سراغ مواد نرم و ولی فایده ای نداشت و پدرش من را مثل یک آهن ربا به طرف خودش کشید و وارد منجذاب مواد افیونی کرد. دیگر دیر شده بود و راه برگشت نداشتم. مدتی بعد از فروش تریاک، به خاطر سود و منفعت زیادش این بار به سراغ شیشه رفتم و مدتی مشغول فروش آن شدم تا این که دوباره حین فروش شیشه دستگیر شدم و این دفعه با دفعات قبل خیلی فرق داشت و جرم فروش شیشه سنگین بود. این بار به ۱۳ سال زندان محکوم شدم و باید تاوان سختی برای این کار نامشروعم پس دهم.

■ **بعد از زندانی شدن خانواده ات به ملاقات آمدند ؟**

خیر بعد از این ماجرا همسرم هیچ وقت حاضر نشد به دیدن من بیاید و حتی بچه ها را هم نگذاشت به ملاقاتم بیایند و بعد از مدتی در خواست طلاق داد.

■ **سر نوشت بچه ها چه شد ؟**

نزد پدر همسرم زندگی می کنند، چون هیچ کس را ندارم که از آن ها نگهداری کند و مجبور شدم آن ها را به او بسپارم . خیلی نگران آینده آن ها هستم که مبادا راه من را در پیش بگیرند و زندگی و آینده شان را تباه کنند.

آدم ربایی با ۵۴۸ پرونده، بیشترین پرونده ورودی در زمینه آدم ربایی را طی ۵ سال گذشته به محاکم قضایی استان داشته است. بررسی پرونده های مربوط به آدم ربایی به طور حتم به منزله وقوع این جرم نیست و در بیشتر پرونده ها برای متهم منع تعقیب صادر می شود.

حادثه در شهر

حادثه همچنان در چهارراه حادثه ساز می تازد



با وجود این که تدابیری برای کاهش تصادفات در تقاطع خیابان میرزا رضای کرمانی با طالقانی غربی اندیشیده شده و تعداد تصادفات را در این نقطه کاهش داده است اما همچنان تصادفات بسیاری در این چهارراه اتفاق می افتد. به گزارش خبرنگار ما، پس از نصب سرعتگیر در ورودی های فرعی به چهارراه موسوم به چهارراه بسیج تعداد تصادفات در این مکان کاهش یافت اما همچنان به دلیل عبور خودروهای عبوری از خیابان طالقانی به عنوان خیابان اصلی تصادفات متعدد در این چهارراه رخ می دهد. در تازه ترین تصادف رخ داده در این چهارراه زمانی که خودرویی از خیابان اصلی قصد ورود به چهارراه را داشت با وجود آن که ابتدا توقف کامل و سپس حرکت کرد اما خودروی عبوری در خیابان اصلی به دلیل داشتن سرعت بالا نتوانست خودرویش را کنترل کند و به شدت با این خودرو برخورد کرد. کارشناسان پلیس هر چند خودرویی را که از خیابان فرعی وارد چهارراه شده بود مقصر تشخیص دادند اما راننده این خودرو معتقد است تا زمانی که خودروها با سرعت بالا در خیابان اصلی حرکت کنند تصادف در این چهارراه اجتناب ناپذیر است چون راننده هنگام رسیدن به این تقاطع دید خوبی ندارد. وی ادامه می دهد: متأسفانه خودروها در خیابان اصلی و نزدیک به چهار راه پارک می کنند به همین دلیل وقتی راننده می خواهد از فرعی وارد تقاطع شود دید خوبی ندارد. وی خاطر نشان می کند: همچنین با توجه به سرعت بالای خودروهای عبوری از خیابان اصلی، راننده ای که از خیابان فرعی وارد می شود ممکن است در محاسباتش اشتباه کند و این امر باعث تصادف می شود. این راننده راهکار اصلی برای پیشگیری از بروز تصادفات در این چهار راه را نصب چراغ راهنمایی و یا نصب سرعتگیر یا سرعت کاه در خیابان اصلی می داند.

رَمَضانِ کَریم



رز طلایی

با افتخار میزبان ضیافت های افطاری شاعر نیران، همشهری ده محمود رستوران و تالار رز طلایی، هستیم.

رستوران . تالار. سفره خانه سنتی

✓ برگزاری مراسم افطاری با سالن های مجزا (ظرفیت ۱۳۰ ، ۲۲۰ ، ۷۰۰ نفر) با ورودی رایگان

✓ رزرو مجالس عروسی در ماه مبارک رمضان همراه با ۳۵% تخفیف هزینه ورودی سالن

رستوران: : بلوار معلم ، نبش معلم ۱۵

رستوران سنتی: : بلوار معلم ، نبش معلم ۱۵طبقه زیرین رستوران

تالار: : بلوار معلم ، نبش خیابان بهارک طبقه فوقانی فروشگاه رفاه

رزرو مجالس: :۰۹۱۵۵۸۴۳۱۷۲

۰۵۸ ۹۵۱ ۳۲۲=۰۵۸